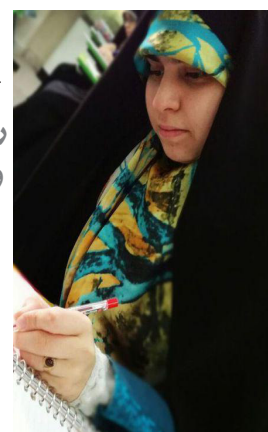


رسانه‌های جریان چپ و تراژدی کرمانشاه؛ پروپاگاندا یا رسانه ای یا دیانت‌زنجیره‌ای!

صفحه ۲



جامعه پویا

سال اول شماره چهارم پیاپی ۶۴

۱۳۸۶

سرویس سیاسی: سیری بر سیره ی قوه قضائیه: قوه قضائیه قابل نقد است.

صفحه ۲



نگاهی به عملکرد کانال تلگرامی تویتر فردوسی

اخبار دانشگاهی

صفحه ۳

در حاشیه اولین اظهار نظر وزیر علوم

طیکه

صفحه ۴

درسوگ کرمانشاه

ستون آزاد

صفحه ۴

نقد و بررسی بر نشریات دانشگاه فردوسی (رستاخیز)

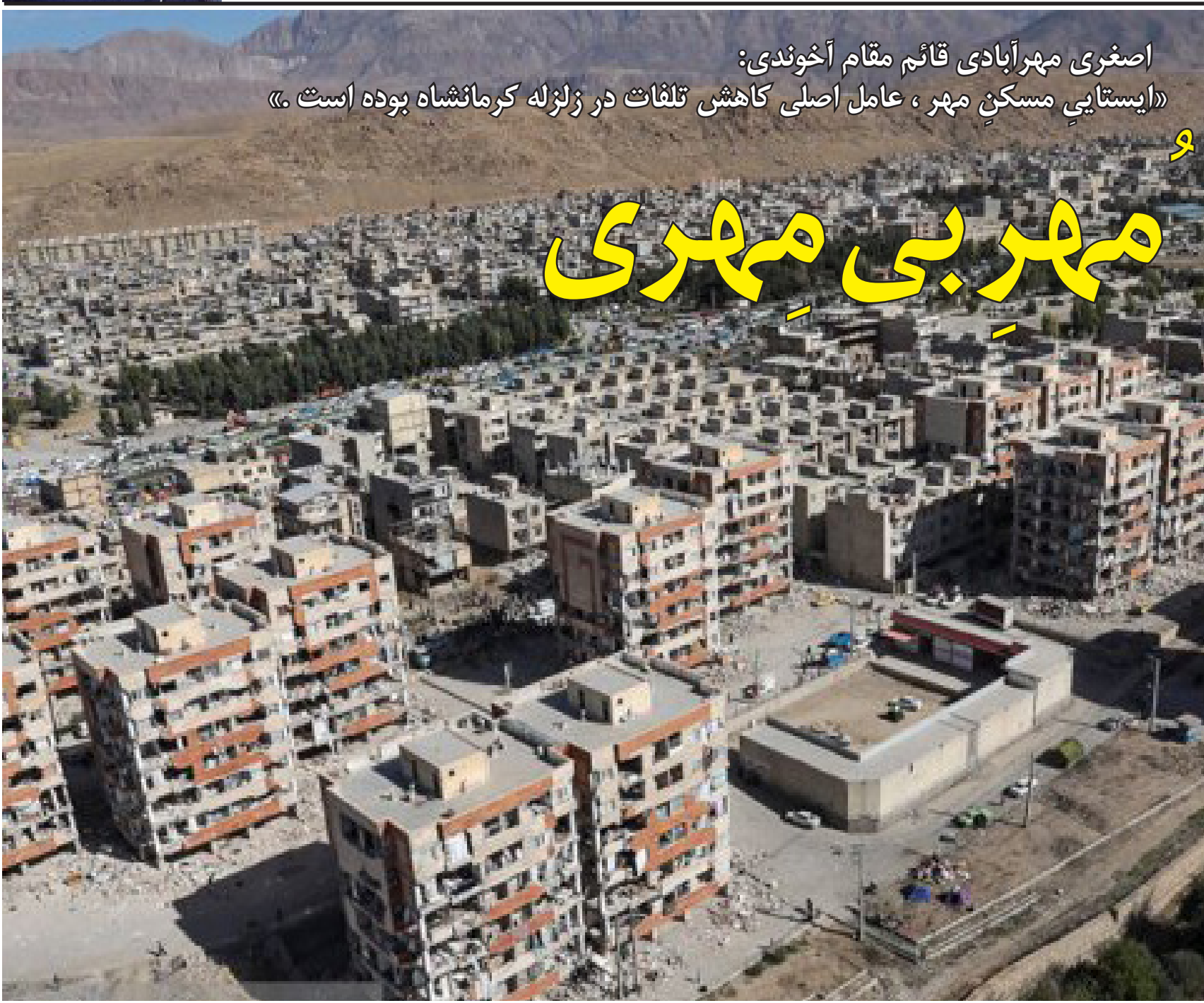
رصد

صفحه ۴

واکنش طنز جامعه پویا به سخنان مسئولین!

توییت برد

صفحه ۴



اصغری مهرآبادی قائم مقام آخوندی:

«ایستایی مسکن مهر، عامل اصلی تلفات در زلزله کرمانشاه بوده است.»

مهر بی مهری

سر مقاله:

بهنام منصورزاده



سوزن به خود، جوال دوز به دیگران!

در چهارم اسفند ماه سال ۱۳۸۳ طی زمین لرزه ی ۶/۴ ریشتری در شهرستان زرنده (از توابع استان کرمان)، ۶۰۲ نفر آسیب دیده و به عنوان نمونه ای وخیم تر می توان به زلزله ی رودبار و منجیل در سال ۱۳۶۹ که ۷/۴ ریشتر بود حدود ۳۵ هزار نفر تلفات از خود بر جای گذاشت اشاره کرد، با این وجود در حال حاضر یعنی هم اکنون که این یادداشت به قلم نویسنده نگاشته می شود، زلزله ی ۷/۳ ریشتری کرمانشاه بیش از ۵۰۰ نفر مجروح بر جای گذاشته است و در نهایت به نقل از سایت های خبری تحریریه، تعداد تلفات به بیش از ۱۰۰۰ نفر نخواهد رسید، هر چند تحمل جان دادن حتی یک نفر از هموطنان ناراحت کننده است اما خدا رو شکر بر خلاف ادعای احمد صفری نماینده ی کرمانشاه، آن جا نه قیامت است و نه بیش از ۱۰۰۰ نفر جان باخته داریم!

با بررسی آمار مربوط به زلزله های دو دهه ی اخیر می توان به تقریبی از رابطه ی بین بزرگی زلزله بر حسب ریشتر و تعداد تلفات، دست پیدا کرد، که به قطع این حجم تلفات در مقایسه با وقوع همین اتفاق در کشورهای صنعتی و حتی نیمه صنعتی آماری نجومی به حساب می آید، اما بدلیل مسائل گوناگون اعم از تراکم جمعیت در برخی نقاط، تعدد سازه های غیر مهندسی، عدم وجود سازماندهی مناسب در مراکز دولتی همچون ستاد مدیریت بحران به منظور نجات مجروحان حادثه، عدم کنترل مسائل و اتفاقاتی که پس از وقوع زلزله منجر به بروز حادثه می شوند همچون نشت گاز و احتراق و غیره که تا حدود زیادی قابل کنترل هستند، این آمار در کشور ما همواره تاسف برانگیز محسوب می شده است و به نظر نویسنده ی این یادداشت، در پی وقوع یک حادثه ی زمین لرزه، در یک کلام کم کاری مسئولین در تمامی حوزه هایی که به ایشان مربوط می شود اصلی ترین دلیل بالا بودن آمار تلفات است.

ببین تفاوت ره!

شاید اگر این یادداشت به مناسبت این اتفاق تلخ نگاشته نشده بود، نگارنده طبق عادت همیشگی تیر و طعنه ای هم به هموطنانی که معمولاً در این زمان های بحرانی بدنبال سلفی گرفتن با جنازه، رسیدگی به احکام نجاست و تطهیر سگ غیره و امثالهم می زد اما حاشا و کلاً از قلم بنده که این خس و خاشاک های بی مقدار و سودجو رابیند و عزم راسخ ملت می که از فرش زیر پا گرفته تا لوازم آشپزخانه را، در این هنگام برای مصیبت زدگان ارسال میکنند، ناچیز ببیند.

لذا اجازه بدهید کمی به مسئولین پردازیم، معمولاً ایشان در هنگام وقوع چنین حوادثی به چند دسته تقسیم می شوند:

ساعت ۴۸:۲۱ بیست و یکم آبان ماه ناگهان نیمی از ایران دچار تشنج و لرزه می شود، اخبار عجیب و مهبیی از سراسر کشور دل ها را می لرزاند هر شبکه، کانال، سایت خبری، پایگاه تنها و تنها حرف از بغض و غضب زمین می زند.

تهران، کردستان، تبریز، لرستان، همدان، شیراز، ایلام، اصفهان و زنجان همه سایه ی مرگ را به چشم دیدند، ولی فقط سایه اش را دیدند، اما متاسفانه اخبار راوی این مسیله است که غرب ایران از خشم زمین در امان نمانده است.

قریب به ۲ میلیون گرد زبان در معرض خطر اند و حالا تعدادی از آن ها یا تمام بدنشان، یا نیمی از جسم آن ها و یا تمام جانشان یعنی خانواده را زیر خانه ای که اکنون سر به سجده گذاشته می بینند.

همه جا بوی مرگ می آید، نه راه گریزیست، نه توانی برای حرکت، نه رمقی برای تلاش و نه دستی برای یاری، تنها زانویی که در بغل تا خورده و سری که از بین پاها خیره به بی رحمی زمین، اشک می ریزد.

بوی درد، ساختمان هایی که دیگر ساختمان نیستند، برادرانی که دیگر برادر نیستند، فرزندان که دیگر بی صاحب اند، نو عروسانی که با تاج گل به زیر خاک شام عروسی می خورند، پدرانی که چون یعقوب فراق یوسف را باید ببیزیند و تازه مادرانی که تازه عزادار شدند، گوشه ی قنناق نوزاد خود را گرفته، گرد و خاک لباس زیر آوار مانده ی کودکشان را سرمه ی چشم می کنند و در یک کلام کرمانشاهی که دیگر کرمانشاه نیست....

گرد ها برای چندمین بار، این مرتبه توسط بغض زمین عزادار می شوند، کودک زنده مانده در آسمان غرق در غبار و بغض و خاک و هُرم مصیبت، حیران و سرگردان به فرشته هایی که مادر همیشه در قصه هایش از آن ها می گفت فکر می کند و کمی امیدوار می شود اما ازسویی یادش به زمزمه های زیر لب پدرش می افتد: «ماییمو نوای بی نوایی...»، پس این بار نارام تر از دفعه ی پیش، مینشینند، زانوهایش را بغل می کند و به زمین خیره می شود....

می نویسم دولت اعتدال، بخوانید دولت انفعال!

حادثه ی زلزله ی ۶/۶ ریشتری بم، به عنوان یکی از تلخ ترین نوستالژی های مرم ایران در ۵ دی ماه سال ۸۲ بیش از ۳۰۰۰۰ تلفات بر جای می گذارد.

چادر و روسری!

پاره ای از دوستان صاحب صدلی و مسند نشین در مراکز قدرت مادامی که می توانند کاسه کوزه ها را بر سر چادر و روسری بشکنند قطعاً اعتقادی به رعایت مسائل پیشگیری پیش از وقوع، و همت امداد رسانی پس از اتمام زلزله، نه در بیم، نه در قائنات نه در ززند نداشته اند، اکنون هم در کرمانشاه ندارند و قطع به یقین در آینده هم نخواهد بود.

پاره ای از مسئولین پاره بودن پاچه ی دولت قبل! را دلیل اصلی افزایش تلفات می دانند، تنها با این استدلال که کار شما در ساخت مسکن مهر اشتباه بوده است، تمام انتقادهای را زیر سوال می برند بدون پاسخ گفتن به این که طرح دولت ایشان در مقابل همین طرح مریض و کج دار مسکن مهر چه بوده است؟ یا اینکه آیا اگر این افراد همچنان در منازل و بافت های قدیمی پیشین خود زندگی می کردند، این آمار ممکن بود چند برابر افزایش بیاید؟

دیوانه های زنجیره ای!

پاره ای از دست به قلم ها که پیش از این نام رسانه های زنجیره ای را یک می کشیدند، من بعد نام دیوانه های زنجیره را برانزده بداندند، این افراد همواره در طول تاریخ در این برهه های دردناک با دست و قلمشان کمکی که نکرده اند هیچ، بلکه همواره منتظر بوند که یکی از کنسرو های رسیده به دست مردم زلزله زده فاسد از آب در بیاید تا در رسانه های خود، از وجود مافیای کنسرو فاسد کن در دولت قبل خبر بدهند!

مسئولی که در دل بحران بجای دور انداختن لباس اعیانی خود و به تن کردن لباس جهاد به قصد خدمت، با کت و شلواوری که خط اتویش دست لمس کننده را می بُرد، پشت تریبون نشسته به جای کمک رسانی، لجن پراکنی می کند و آمار دروغ به مردمی که منتظر شنیدن خبر های خوب هستند، می دهد را باید به پای محکمه ی جمهوری اسلامی که نه با پای محکمه ی علی برد تا حد او جاری شود.

مهران مدیری: در ایران ۲ درصد کار می کنند، ۹۸ درصد در مورد آن ۲ درصد نظر می دهند!

مسکن مهر خوب یاد بد، آغاز پر دردسری بود در مسیر مبارزه ی طبقاتی علیه سرمایه دارانی که به جز در برهه های خیلی خاص هرگز از ولنجک و فرشته و جُردن پایین تر نیامده اند، دوستانی که بارها تاکید کردند نقش ایرادات و کاستی های مسکن مهر در این واقعه ی تلخ چه میزان بوده است

ولی هرگز اشاره نکردند اگر مردم این مناطق زلزله زده در همان خانه های خشت و گلی خود باقی مانده بودند نتیجه جز برگی سرخ تر از این، در تاریخ جمهوری اسلامی نبود. وقتی یادداشت را می خوانید شاید از این مسئله که در این برهه ی پر درد تاریخ جمهور اسلامی با زبان طنز نوشته ام خشمگین شوید، اما افسوس که نه قلم جرئت انتقاد بدون لیخن را دارد، و نه هر چقدر که تلاش کند توان به تصویر کشیدن بغض راوی را از وقوع این حادثه ی تلخ را دارد.



سرویس سیاسی

امیر حسین سبزیان

سیری بر سیره ی قوه قضائیه

حال و هوای مبهمیست گاهی فهمیدن حق از باطل و کشف مَتهَم از بی گناه، و چه سخت تر کسی که کارش این باشد و چه مسولیت سنگینی بر دوش قوه قضاست، قوه قضایی که خود از اشتباه و خطا مبرّی نیست و قطعاً با مفاصد جدّی درون خود دچار است!

خب حالا چه کار میشود کرد؟!

دانشجو دغدغه مند انقلابی چکار باید بکند؟! اصلاً چکاری میتواند بکند؟!

آیا باید چشم بر روی همه چیز بست و بی هیچ تحقیق و بررسی گفت که قوه قضاییه جمهوری اسلامی بری از هرگونه خطا و فساد اشتباه و رانت سیستمی درون خود است و هرکه در جایگاه انتقاد از سیستم قضایی برآید قطعاً معاند و ضدّ انقلاب است.

یا همصدا شویم با جریان ضدّ انقلاب چپی و راستی و بالا و پایینی که در کل با موجودیت انقلاب اسلامی و این حرکت عظیم مردمی عهد عناد بستند و امروز با بهانه های صد من یک گاز و علمی تخیلی درباره قضا هجمه می آورند و فردا به بهانه خسوف و کسوف ماه و خورشید، خلاصه کلام اینکه: «ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو گیری بدهی در کارم.» راه درست اما چیست؟!

فرض را به این بگیریم که قوه قضا پیکره ای انسان گون باشد و حال در اندام و قسمت هایی از این شاکله مرضی حاصل شده با غده ای ریشه دوانیده، خب من دلسوز این شاکله همچون طبیعی عمل میکنم یعنی ابتدا خوب میشناسم و میفهمم که مشکل از کجاست؟! کدام قسمت ها سالم است و کدام قسمت ها بیمار، بعد از این دنبال دوا و دارو برای مرض هر قسمت میگردم و سپس تجویز؟!!

خب حالا فرض کنید بیمار بخواهد چموشی کند و از درمان تفره برود آن وقت تشکل های دانشجویی و مطبوعات آنقدر فشار می آورند تا دست و بالش را بگیرند و دوا در حلقش بریزند! حالا می خواهیم مواردی را که برای بهبود عملکرد و شفافیت در قضا به ذهنمان می رسد باهم بررسی کنیم شاید پس از عملی شدن این موارد دیگر حتی شاهد بست نشینی هم نباشیم!

افزایش شفافیت از طریق علنی سازی آرای قضات. شفافیت در سه سطح فرایند رسیدگی دادگاه ها، آرای قضات و رسیدگی به تخلفات و فساد قضات مطرح می شود. مطابق اصل ۱۶۵ قانون اساسی جلسات دادگاه ها باید به صورت علنی برگزار شود؛ یکی از مزیت های علنی برگزار شدن دادگاه ها توجه قضات و کارمندان به نحوه رفتار خود با طرفین است که این خود نوعی بازدارندگی از بروز تخلف و فساد را به دنبال دارد. مطابق ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم توسعه، علنی سازی آرای قضات از وظایف دیگر قوه قضائیه است. ادامه دارد...

یادداشت مهمان:

فاطمه افتخاری

صدی بر تیتتر پاره ای از روزنامه های جریان چپ پس از تراژدی تلخ کرمانشاه:

پروپاگاندا ی رسانه ای یا دیانت زنجیره ای!

یکشنبه شب زلزله ای به بزرگی ۳/۷ ریشتر، منطقه سرپل ذهاب و قصر شیرین واقع در استان کرمانشاه را لرزاند که لرزش آن در بسیاری از مناطق غربی و مرکزی کشورمان احساس شد. در پی وقوع این حادثه تلخ، تعدادی از هموطنانمان جان خود را از دست دادند و تعدادی نیز زخمی شدند. در شرایطی که این زلزله شدید در اکثر نقاط غربی کشور احساس شده و مردم زلزله زده کرمانشاه در غم ازدست دادن عزیزان خود هستند، کاسبان زلزله کار های مهم تری دارند که باید به آن بپردازند، گویی ایشان تنها افراد مسرور از این حادثه هستند! رسانه هایی که خود باید در مدیریت بحران در خط مقدم بوده و با مدیریت افکار عمومی آرامش را به جامعه بازگردانند، می شوند الت دست بازی های سیاسی! و تنوری که با بازی های سیاسی داغ می شود..

پروپاگاندا ی اعتدالی!

شرق در تیتتر اصلی خود می آورد: «قصر اندوه؛ دومین مجموعه مسکن مهر در سرپل ذهاب در برابر زمین لرزه مقاومت نکرد» همچنین در ادامه نوشت: «گفته می شود بیشترین آمار کشته شده در سرپل ذهاب مربوط به آپارتمان های مسکن مهر بوده است. علاوه بر تخریب شدید خانه ها در این آپارتمان ها تجمع انسانی نیز در این منطقه بسیار بالا بوده است.»

روزنامه زنجیره ای قانون نیز در مطلبی با عنوان «بی مهری های مسکن مهر» نوشت: «قرار بود روحیه مهرورزی و نیک اندیشی منجر به خانه دار شدن اقشار کم درآمد و ضعیف جامعه شود اما حال به تلی از خاک سرد بر پیکر هموطنانمان تبدیل شده است. افتخار هشت ساله دولت مهرورز امروز به قبرستانی برای حداقل سه هزار نفری که در انبوه ویرانه های مسکن بی مهری دفن شده اند، بدل شد.»

و باز هم غوغای جهانگیری!

بی بی سی فارسی هم از غائله جا نماند و مفصل به این مسئله پرداخت ولی نکته قابل توجه در گزارش بی بی سی فارسی این است که گزارش مذکور با اظهارات «اسحاق جهانگیری» معاون اول رئیس جمهور آغاز شد و در این گزارش به حرف های ایشان استناد شده است!

جهانگیری روز دوشنبه (صبح پس از حادثه) در جلسه ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی گفته بود: «بیشتر خانه های تخریب شده در زلزله شب گذشته در استان کرمانشاه متعلق به ساختمان های مسکن مهر است، وزارت راه و شهرسازی با دقت این موضوع را که چرا خانه های نوساز تا این حد آسیب پذیر بوده اند، بررسی کند.»

همچنین آقای روحانی در سفر به کرمانشاه، گفت: «باید اشکالات و کاستی های موجود در ساخت این بناها بررسی شود و دولت مطمئن این مسائل را دنبال کرده و مقصران را شناسایی و به مردم معرفی خواهد کرد!»



جهانگیری: بیشتر خانه های تخریب شده در استان کرمانشاه متعلق به مسکن مهر است

تهران - ایرنا - معاون اول رئیس جمهوری با بیان این که رئیس جمهوری برای بازدید به مناطق زلزله زده به غرب کشور سفر می کند، گفت: بیشتر خانه های تخریب شده در زلزله شب گذشته در استان کرمانشاه متعلق به ساختمان های مسکن مهر است، وزارت راه و شهرسازی با دقت این موضوع را که چرا خانه های نوساز تا این حد آسیب پذیر بوده اند، بررسی کند.



هستند که این بحران هم تاکنون بیشتر توسط مردم مدیریت شده است تا آنان که متولّی مدیریت بحران هستند!

هفت ریشتر، دو نفر!

پس از ادعای جهانگیری درخصوص خسارات زلزله، صالحی مدیر روابط عمومی اداره راه و شهرسازی کرمانشاه درباره تعداد کشته‌ها و مصدومین در مسکن مهر استان کرمانشاه پس از زلزله بیش از ۷ ریشتری اخیر گفت: «تاکنون تعداد فوتی‌ها در واحدهای مسکن مهر ۲ نفر اعلام شده است.»

در ادامه بیان کرد: «خوشبختانه در این واحدها و مجتمع‌های مسکن مهر شاهد ریزش به این معنا که سقف بر روی ساختمان آوار شود، نبوده ایم.»

تصویر سازی!

همزمان با کاسبی سیاسی از این حادثه تلخ، برخی از فعالین فضای مجازی منتسب به جریان چپ نیز به انتشار تصاویر جعلی پرداختند.

در همین رابطه، یک خبرنگار مدّعی اصلاح‌طلبی با انتشار تصویر مردی که بر ویرانه‌های یک خانه فروریخته نشسته بود، از «فساد و حرام‌خواران و بودجه‌های هدر رفته برای نوسازی بافت روستایی» نوشت اما دست آخر مشخص شد که عکس او مربوط به زلزله چند سال قبل در کشور ایتالیاست. یکی دیگر از فعالین مجازی مدّعی اصلاح‌طلبی نیز عکسی از یک ساختمان فروریخته را منتشر و در ذیل آن اینطور نوشت که مسکن مهر تخریب شده است! اما دقایقی بعد کاربران فضای مجازی گزارش دادند که این عکس متعلق به یک ساختمان ریزش کرده (آنهم نه به دلیل زلزله) در کشور مصر است.

رصد:

محمد رضا پور رمضان

در این ستون، در هر شماره به نقد، بررسی، تحلیل و معرفی یکی از نشریات دانشگاه فردوسی خواهیم پرداخت

در اولین یادداشت ستون رصد، به نقد و بررسی نشریه ی مستقل «رستاخیز» پرداخته می‌شود، دلیل این انتخاب هم رکورد شکنی اولین شماره‌ی این نشریه از نظر تعداد بازدید در سایت سند بوده، در واقع این نشریه در حال حاضر ۱۳۱۰ مرتبه بازدید داشته است.

در گام نخست طراحی صفحه ی اصلی این نشریه، ذهن را به سمت حال و هوای رسانه های کتبی ببحوجهی انقلاب می‌برد، رستاخیز اولین رسانه ی کتبی دانشگاه بوده، که سعی در تداعی روزهای انقلاب و سال های پر التهابی که هرگز نسل ما به چشم ندیده است، داشته است!

در ادامه همانطور که در مقدمه عنوان کردم «آمار بازدید نجومی»، گویای این موضوع است که نشریه تا حدودی موفق به این تصویر سازی شده است و احتمالاً بازدید کنندگان سایت را ترقیب و تحریک به حداقل یکبار مشاهده ی شمای کلی نشریه کرده است، این تصویر سازی به میزانی مورد قبول بوده که توانسته است روزها و هفته ها به نشریه ی تک برگه ای رستاخیز عنوان پربازدید ترین نشریه ی ماه اخیر را اختصاص بدهد.

در گام بعدی خلاصه و مختصر بودن شماره اول رستاخیز آنقدر به چشم می خورد، که نمی توان به عنوان مزیت از آن یاد نمود، بلکه قطعاً بارزترین ضعف نشریه تک برگه ای بودن آن است به قطع مخاطبی که با یک نگاه ترقیب به مشاهده ی نشریه شده است پس از پی بردن به تک برگه ای بودن آن، جا می خورد چه بسا که از بازکردن و دانلود آن پشیمان هم بشود!

به عنوان نکته ی بعد؛ مخاطب در رستاخیز تک برگه ای نه دغدغه ی فرهنگی می بیند نه اجتماعی و نه حتی دانشجویی که عدم وجود این مسایل کلیدی در یک نشریه ی دانشجویی به قطع ضعف است، اما قضاوت عجولانه و نتیجه گیری کلی بر اساس تنها یک شماره پیش داوری محسوب می شود، در نگاهی دیگر در فضایی که تقریباً تمام نشریات دانشگاه سعی در پرداختن به تمام مسایل لشکری، کشوری!!! از کامنت تئلو گرفته تا بحث تکراری فیلترینگ و نقد رنگ لباس کریستیانو رونالدو دارند، شاید وجود چنین نشریه ای نوعی تنوع محسوب شود، و احتمالاً سردبیر سعی در دست و پا کردن نوعی شناسنامه برای نشریه ی تازه به دوران رسیده و گمنام خود از این طریق دارد که در اولین شماره تا حدود زیادی موفق به انجام این کار شده است.

به هر حال پس از چاپ شماره های بعد به قطع، نقد کاملتری می توان ارایه داد.



اخبار دانشگاهی:

انسبه هاشمیه جواهری

نگاهی به تابو شکنی های کانال توئیتر فردوسی

پای که ماه هاست از گلیمش دراز تر است!



چند سالی است که موضوع اردوهای مختلط و برنامه های موسیقایی گریبان دانشگاه ها را گرفته و مایه جنجال میان دانشجویان ، مسئولین دانشگاه ها و وزارت علوم شده است . شورای اسلامی شدن دانشگاه ها در موضوعات مذکور آئین نامه برنامه های موسیقایی در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی سراسر کشور را در سال ۹۴ و آئین نامه اردوهای دانشجویی دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی سراسر کشور را در سال ۹۵ تصویب و به دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی سراسر کشور ابلاغ نموده است . با این وجود ، اخیراً شاهد تابو شکنی هایی از سوی کانال توئیتر فردوسی بودیم، توئیتر فردوسی برای دانشجویان دانشگاه فردوسی نام آشنا است . توئیتر فردوسی یک کانال تلگرامی است که هدفش این است که توثیت های مرتبط با فضای دانشجویی توسط خود دانشجویان به اشتراک گذاشته شود . طراحی این اشتراک گذاری به گونه ای است که دانشجویان می توانند با انتخاب یک نام مستعار در ربات توئیتر فردوسی ثبت نام کرده و پست های خود را به آی دی توئیتر فردوسی ارسال کنند تا پس از تأیید ادمین توئیتر فردوسی ، در کانال توئیتر فردوسی با نام مستعار خود دانشجو به اشتراک گذاشته شود .

فستیج!

یک مورد از تابو شکنی های این کانال تلگرامی مربوط می شود به اینکه در دوم تیرماه سال جاری پیامی تحت عنوان فستیج منتشر شد که از برگزاری یک مسابقه در زمینه هایی مثل خوانندگی و نوازندگی حکایت می کرد . در هشتم تیرماه برخلاف اینکه در جواب پرسش یکی از اعضای کانال توئیتر فردوسی

مبنی بر غیرمجاز بودن قسمت خوانندگی برای خانم ها پاسخ داده شده بود «بله . قوانین را به زودی اعلام می کنیم» ، در پیامی دیگر در همان روز قبل از اعلام شدن شرایط و قوانین مسابقه فستیج این مطلب عنوان شد که «بخش خوانندگی برای خانم ها نیز آزاد خواهد بود و دوستانی که تمایل داشته باشند می توانند بعد از اعلام شرایط مسابقه ویس خوانندگی یا ویدئویشان را ارسال کنند ، اشتباهاً اعلام شد که(بخش خوانندگی برای خانم ها) غیرمجاز است .» پس از آن ، شرایط و قوانین این مسابقه در ۱۸ تیرماه در کانال توئیتر فردوسی

اصلاح طلبان معترض عملکرد دولت می شوند!

حرکت غیراخلاقی برخی جریانات در استفاده ابزاری از حادثه تلخ زمین لرزه، کار را به جایی رساند که اعتراض برخی از فعالین اصلاح‌طلبی را نیز در پی داشت!

در همین رابطه، یکی از خبرنگاران روزنامه‌های اصلاح‌طلب در یکی از صفحات اجتماعی نوشت: «یک عده هم نشستن می‌گن مسکن مهر و بیمارستان زمان احمدی‌نژاد ساخته شده حالا تخریب شده. آقا زلزله که زمان احمدی‌نژاد نیومده. مدیریت بحران شما کجاست؟ غافلگیر شدید فقط همین، هنوز نتونستید آب معدنی بین مردم توزیع کنید، خجالت بکشید!»

یکی دیگر از فعالین فضای مجازی نوشت: «تکمیل واحدهای مسکن مهر در مناطق سرپل ذهاب و... در استان کرمانشاه و تحویل آنها به مردم در دولت یازدهم اتفاق افتاده است، در حالیکه خبر می‌رسد در برخی مناطق زلزله زده هنوز آب آشامیدنی سالم به درستی و به میزان مورد نیاز توزیع نشده است و برخی ناهماهنگی‌ها میان اعضای دولتی ستاد مدیریت بحران کار خدمات رسانی را به کندی کشانده است، آیا می‌توان جز فراقکنی و سیاسی کاری نام دیگری بر این اظهارات ناپخته جناب جهانگیری گذاشت؟»

در حقیقت باید بهترین عملکرد در این بحران ملی را منسوب به تیم رسانه ای دولت دانست که با شانتاژ خبری از غم ها و درد های مردم برای پوشاندن کارنامه ی پر از خالی دولت به بهترین شکل ممکن استفاده کرد! تا پیش از آن که افکار عمومی به سمت ضعف ها در امر امداد رسانی بپردازد درگیر مسئله ی حاشیه ای مسکن های مهر شود! با این شرایط موجود قطعاً تمام سیاست مداران ما نیازمند بازگشت به دانشگاه و پاس کردن دوره های مدیریت بحران می باشد.

اعلام شد و طی یکی از بندهای این شرایط و قوانین مجدداً این مطلب تکرار شد که «محدودیتی در ارسال آثار برای خانم ها و آقایان وجود ندارد .» و درهمین روز کانال گرافام توسط توئیتر فردوسی معرفی شد و گفته شد «این کانال برای فستیج زده شده و بعد از مسابقه به فعالیت در زمینه های مرتبط ادامه خواهد داد.» و از کسانی که علاقه مند به شرکت در مسابقه فستیج دانشگاه فردوسی هستند درخواست شد در این کانال (گرافام) عضو شوند . نکته ای که وجود دارد بحثی است که بعد از انقلاب جمهوری اسلامی مطرح بود ه است و در عصر حاضر و در دوران دولت یازدهم به اوج خود رسیده است ، مجاز بودن یا نبودن تک خوانی خانم هاست ، مطلبی که در آیین نامه برنامه های موسیقایی دانشگاه ها اشاره مستقیم و واضحی به آن صورت نگرفته است و قانون هم صراحتی در اینکه تک خوانی زن غیر مجاز و ممنوع است در پیش نگرفته است . در این مورد به ناچار باید اظهارات افراد را مورد بررسی قرار دهیم . وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت یازدهم در این باره گفته بود: «اظهار نظرهای مختلفی در خصوص تک خوانی خواننده زن وجود دارد اما طبق نظر برخی از مراجع تقلید اگر موجب مفسده نباشد ایرادی ندارد .» و همین اظهاراتش علاوه بر دادن مجوز به آلبوم یک خواننده زن ، موجب شد از مجلس کارت زرد دریافت کند . لاله افتخاری ، عضو هیئت رئیسه کمیسیون فرهنگی مجلس وقت ، در واکنش به اظهارات علی جنتی گفت: «تک خوانی زنان طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران مجاز نبوده و این اقدام وزارت ارشاد خلاف قوانین کشور است .» بر اساس نظرات متفاوت و ضدّ و نقیضی که در این رابطه وجود دارد نمیتوان این اقدام توئیتر فردوسی را خلاف قانون و نوعی تخلف دانست اما با شرایط جامعه امروز ما ، که هنوز یک جامعه سنتی رو به مدرن است ، میتوان گفت که خوانندگی خانم ها با احتساب همه تغییرات و تحولات فرهنگی هنوز هم خلاف عرف و به نوعی یک تابو شکنی ناشیانه محسوب می شود .

اردوهای کلات محاله یادم بره!

و اما دومین مورد تابو شکنی که از سوی این کانال تلگرامی صورت گرفته است ، همکاری وی با یونی تورز در برگزاری اردوهای مختلط بدون نظارت دانشگاه است . پیام های موجود در توئیتر فردوسی و همچنین کانال یونی تورز حاکی از این است که تا کنون سه اردو برگزار شده است که یکی از آنها به نیشابور در روز جمعه ۲۱مهر ، دیگری به اخلمد در روز جمعه ۲۸ مهر و سومین آنها به آبشار گرم کلات در روز جمعه ۵ آبان بوده است و به گفته یونی تورز اردوی مختلط بعدی ۳ آذر برگزار خواهد شد . ثبت نام در این اردوهایی که به صورت مختلط و بدون نظارت دانشگاه برگزار می شود از طریق توئیتر فردوسی انجام می پذیرد . در یکی از پیام های توئیتر اینطور آمده است که: «تور نیشابور از طرف دانشگاه نیست و توسط توئیتر فردوسی و یونی تورز و با مجوز برگزار می شود .» در نگاه اول شاید بتوان به به پیام توئیتر استناد کرد اما اگر کمی با عینک منطقی به موضوع نگاه کنیم باید از خود بیرسیم با وجود اینکه این اردو یک اردوی دانشجویی بوده است مجوزی که در پیام ذکر شده از چه نهاد و ارگانی صادر شده است ؟ اردوهای دانشجویی درصورتی می توانند مجوز بگیرند که طبق آیین نامه اردوهای دانشجویی برگزار شوند . و ادعای توئیتر فردوسی مبنی بر مجوز داشتن این اردو در حالی است که در ماده ۱۱ آیین نامه اردوهای دانشجویی ، که بر اساس مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی تدوین شده است ، صراحتاً ذکر شده است که: «برگزاری اردوهای دانشجویی به صورت مختلط مجاز نمی باشد.» و در نتیجه این عمل نوعی تابو شکنی به حساب می آید و طبق مواد آیین نامه مذکور قابل پیگیری قانونی نیز می باشد .



عاشقانه های یک وزیر

وزیر علوم دکتر غلامی در اولین اظهار نظر خود عنوان کرد:

«معمولاً دانشجویان در این دوران چند باری عاشق می شوند، من یک بار عاشق شدم که منجر به ازدواج شد!»

پیرو این نطق جناب وزیر علوم توصیه اکید داریم خدمت دانشجویان اهل دل که با دقت عاشق شوند، خیلی الکی عاشق نشوند!

در این دهکده جهانی (دانشگاه فردوسی) که انواع اقسام بشر ناطق و ناطقه به چشمان نرگس شما برخورد می کنند که بعید نیست اکثراً در همان نگاه اول دل بدهید و دل بربایید توصیه دارم دست نگه دارید! ۱. از آنجایی که یک جماعت کثیری شیرین و فرهاد بالقوه در حال تردّد و نشست و برخاست هستیم که هر کدام از یک شهر و دیار و محل و کشور و اعتقاد هستیم، بهتر است دقت لازم را بخرج بدهید و افسار دل را محکم بگیرید، چشمهایتان را باز کنید و رصد کنید، دلبسته رنگ و لعاب ها و ظاهر ها نشوید خواهشا، به دلیل این که منطقاً فضای دانشگاه برای دانشجویان جایی برای ساخت و تغییر شخصیت است.

از قراری که رفتار و گفتار و ظاهر ما جوانان روشنفکر دانشجوی بر اساس آنچه می پنداریم و قبول داریم شکل می گیرد پر واضح است دیگر زمان آن بیان قدما گذشت که: «امان ببین دختر و بگیر!» این یک مثال کلی بود و صد البته که در مثال مناقشه نیست! هفت جد و آباد بشر دانشجوی جماعت شامل میشه چه برسه به مادر و پدر و خواهرش...!

۲. از آن جایی که زمانه به جایی رسیده که از یک سو خبر طلاق ها بگوش می رسد و از یک سو جوانان



روشنفکری از جنس مونثش پشت قصد ادامه تحصیلات تا پرفسورا قایم شدن از یک سو اجناس مذکر یک طیفشون می گن ای بابا دختر خوب پیدا کن ما هستیم دختر پیدا می کنی می گه دم ابروی راستش کوتاه .!

طیف دیگه می گن ای بابا شما کار و خونه و ماشین و ویلا می شمال بده به ما، بعد عاشقم می شیم! که ۹۹ درصد میریم رفیق بازی می کنیم!

طیف دیگه می گن به خدا ما می خوایم عاشق بشیم اما بابا مون یا می گه دهنتم بو شیرمیده، یا می گه همون ما عاشق شدیم برا هفت جدمون بسه سرتو بنداز پایین برو درستون بخون یه خری بشی!

طیف آخر که مشهورن به فرق یک طرفه ها و پیرهن سفید، که پاشنه کفش می کشن بالا می زنن به میدون در راستای ازدیاد نسل شیعه جماعت عاشق می شن و درکنار درس و بحث، نون حلالی در میارن ترجمان ازدواج به موقع آگاهانه و پایدار می شن و نماد یک جوان طراز انقلابی که برپایه خانواده نمود پیدا می کنه.

حالا با همه این تفضیلات به عنوان آجی کوچیک شما که تجربه ای به تاریخ ۶ سال دانشجویی در دانشگاه فردوسی دارم این حرف هارو جدی بگیرید یا بالا غیرتاً عاشق نشید جوری که ابکی باشه که از چشم و بینیتون دربیاد، یا عاشق می شید درست درمون عاشق بشید و معنای حقیقیشو بفهمید و بقول دکتر یه بار

توییت برد

فاطمه امینایی

واکنش جامعه پویا به اظهارات بزرگان



ستون آزاد

مهلا مختاری

در سوگ کرمانشاه



قلم روزگار نوشت و نوشت...!

به پلاسکو رسید کاغذ سوخت، به دختران هرمزگان رسید دفتر افتاد، به کرمانشاه که رسید، قلم شکست، اما روزگار باید تکلیفش را بنویسد.

سنقر، دپاوه و کنگاور با دلی شکسته کمر هم را گرفتند و دفتر شدند تا پیران و شالان و پریشان اشک شوند و بر احوال نالان سرپل ذهاب و قصر شیرین و جوانرود و ثلاث باباجانی بگریند.

روزگار بنویس: احوال مادری که برای چاشت فردای فرزندش نان برنجی درست کرده بود، بنویس پاموره ی پاره شده دختری از زیر آوار پیدا شد که یکماه دیگر عروسیش بود، بنویس شب تولد بود و خانواده ای دورهم تخمه سقزی میشکستند که سقف خوشی هایشان در هم شکست، بنویس تاریکه بازار کرمانشاه از فردا دیگر صدای خنده های مستانه آن دو دوست، موقع برگشت به خانه را نمیشنود:

«لالایت بوم تا ماه درآیه

گلی هم رنگ تو آکوه درآیه

گوساله و گو کویی م به شیر بیایه

هرکه چشمش وتونه چشمش درآیه

بنویس این لالایی را که دیگر مادری نیست تا در شبهای بی تابی طفلش آنرا بخواند، بنویس از دل مردم رنگین پوش کرمانشاه که چگونه بر در و دیوارش پارچه سیاه زدند، بنویس از کوچه های پر درد کرمانشاه که زار میزند بر شاخه های بشکسته و برگهای بی بن شده، عشق های درراه مانده و عاشقی های جوانمردگ شده، بنویس از کرمانشاهی که بجای سورنا، از آن صدای مویه و عزا به گوش میرسد.

بنویس از ایرانی که چپ دست بود و دست چپش شکست! بنویس از کرمانشاهی که دلش شکست...!

و من مینوسم از تو، روزگار

روزگاری که هروقت خوب درسش را پس میدهد افتخارش بنام مدرسه میشود و هروقت ضعف داشت اوست که سرزنش میشوند.

به نام انسانیت!

روزگاری که مردمانش، همان مردم عادی که n کیلو فالوور ندارند، کمکهای حضوری و غیرحضوریشان را از فرسنگها کیلومتر دورتر بخاطر هموطنانشان بهم رسانند تا کمی دردهایشان را التیام بخشند، ولی افتخار حضور اینهمه غیرت و جوشش روی بنرهای خوش آمد گویی کسانی دیگر پیاده می شود.

روزگاری که متن انشایش به وسیله کسانی خوانده میشود که با ادبیات ما غریبند و تنها در چنین روزهایی به زبان احساس ما تسلط می یابند، روزگاری که پر شده از خودپرستانی که دل شکسته کرمانشاه را می بینند و کاسه روشنفکری را روی اتفاقات و غم مردم چپه میکنند!

#جهاد نکاح، دو سه تا بچم داره!

حسین دهباشی سازنده مستند انتخاباتی

رییس جمهور توییت کرد:

وقتی آمریکامیتواند هر تحریمی را که خواست به بهانه های دیگر اجرا کند، چرا ممکن است با خروج از برجام از منافع بسیار آن چشم پیوشد؟

جامعه پویا:

جاناسخن از زبان مامیگویی!

■

توییت: وقتی یک مسئول تا دکمه آخر

پیراهن یقه آخوندی اش در خودرو ضد گلوله فرو می رود و در پس چند لایه یگان ویژه و گارد مسلح برای مردم دست تکان می دهد، یعنی #زلزله روی مشروعیت نظام هم ترک انداخته.

جامعه پویا:

ترک نیست، شکاف است! زلزله هم آن را ایجاد نکرده، #خودمان کردیم

■

واعظی رییس دفتر رییس جمهور توییت کرد:

« نگاه دولت به حماسه ی اربعین اقتصادی نیست، بلکه اعتقادی بوده...»

جامعه پویا:

مشکل اینجاست که اعتقاد دولت اقتصادی!

■

سید عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد در

توییت نوشت:

پیامبر (ص) با کلید سحرآمیز اخلاق، جان و جهان را گشود. قرنهایست این کلید را گم کرده ایم!

جامعه پویا:

روایت است در آخر الزمان شخصی از این کلید استفاده ابزاری می کند و اینطور میشود که دوباره گم می شود!

■

عراقچی معاون وزارت امور خارجه بیان کرد:

آمریکا صراحتاً روح و متن #برجام را در موارد متعددی مورد نقض قرار داده است!

جامعه پویا:

ا، واقعا؟ کی این اتفاق افتاده؟! پس چرا هیچ کدوم از منتقدان تا الان نفهمیده بودن هشدار بدن؟!!

جامعه پویا:

دیر متوجه شدی دکتر، #نقض واسه یکی دو سال پیش بود، الان چند وقتییه #برجامو بردن

ماهنامه فرهنگی سیاسی اجتماعی جامعه پویا

سال اول / شماره چهارم (پیاپی ۶۴) آذر ۹۶

شماره مجوز: ۹۵۳۹۶۳

صاحب امتیاز: جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد

مدیر مسئول و سردبیر: هادی گل سرخی

دبیر هیئت تحریریه: بهنام منصورزاده - دبیر سرویس سیاسی: امیر حسین سبزیان - سرویس طنز: خانوم جلالیان - اخبار دانشگاه: انسیه هاشمی جواهری - رصد نشریات: محمد رضا پور رمضان - سرویس فضای مجازی: فاطمه افتخاری - ستون آزاد: مهلا مختاری - طراح: علیرضا صدوقی - طراح جلد: علی مولایی، سید علیرضا حسینی

ارتباط با دبیر هیئت تحریریه و انعکاس نظرات: tel: @behnam_mnsz / ۰۹۱۳۰۳۷۱۸۸۷

کانال رسمی شکل: @jadfum